

سه‌م اقتصاد آموزش و پرورش در رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن

محمد حسین مقوم

عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، پردیس شهیدان پاک‌نژاد، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران

چکیده

دستگاه آموزش و پرورش به عنوان یکی از بزرگترین و همگانی‌ترین نهادهای اجتماعی، چیزی جز یک نظام کلان تصمیم‌گیرنده، برنامه‌ریز و مجری نیست که مجموع تلاش خود را به رشد و تعالی انسان‌ها معطوف می‌سازد. شاید از وقتی که دولتها در قالب تشکیلاتی منظم، نقش فراگیرتری در فرآیند آموزش و پرورش بر عهده گرفتند، مسائل مالی و اقتصادی آن به صورت روشن‌تر و جدی‌تر مطرح گردید؛ اما این بدان معنی نیست که قدیمی‌ترین انواع آموزش، یعنی تربیت خانوادگی از طریق والدین فاقد جنبه اقتصادی بوده است. در عین حال امروز گذراندن طرح‌های آموزشی از صافی اقتصاد امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ زیرا به روشنی مشخص است که بدون تأمین مالی مناسب و بهنگام امکان دستیابی به اهداف برنامه وجود ندارد. در این مقاله به بررسی سه‌م اقتصاد آموزش و پرورش در رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن پرداخته شده است. اقتصاد آموزش و پرورش در جستجوی چگونگی تخصیص بهتر منابع کمیاب در آموزش و پرورش است. این می‌تواند به ما کمک کند که چگونه آموزش بیشتر (یا کمتر) را فراهم کرد و اثر اقتصاد بر افراد، مدارس و جامعه را درک کرد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد، اقتصاد آموزش و پرورش، سرمایه‌انسانی، آموزش و پرورش، رشد اقتصادی.

۱- مقدمه

اقتصاد آموزش و پرورش از دو واژه «اقتصاد» و «آموزش و پرورش» تشکیل شده است که به تبع تلقی واژه «اقتصاد» در حوزه علم اقتصاد و از منظر «آموزش و پرورش» در حیطه علوم تربیتی قرار دارد، اما این علم ترکیبی، کاربرد علم اقتصاد در نظام آموزش و پرورش را مورد توجه قرار می دهد و آموزش و پرورش را قادر می سازد تا ضمن بکارگیری منطقی یافته های علم اقتصاد، آموزش و پرورش با کیفیت را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار دهد و شرایطی را فراهم سازد تا تربیت یافتگان آموزش و پرورش، یعنی انسان ها، با بهره گیری و تأثیر و تأثری که از «آموزش و پرورش»، «محیط زیست»، «بهداشت و تغذیه»، «اشتغال» و «آزادی سیاسی و اقتصادی» می گیرند، خود را به منابع انسانی و سرمایه انسانی در جامعه تبدیل کنند. منابعی که در چرخه مستمر هدایت منابع جامعه به سوی توسعه و سعادت نقش اصلی را دارد و در راه دستیابی به توسعه پایدار و ضمن بهره گرفتن از فرهنگ خودی اقدام به تنظیم روابط منابع جامعه و زایش و پخش عناصر توسعه در تمامی ابعاد می کند و بالاخره اقتصاد آموزش و پرورش ده ها سوال طرح و پاسخ آن را از آموزش و پرورش طلب می کند (صراف اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

اقتصاد آموزش و پرورش یکی از جوانترین رشته های علمی است که در کشور ما کمتر درباره ی آن بحث و مطالعه و پژوهش انجام یافته و منابع موجود در این زمینه بسیار محدود می باشد. طرح این موضوع نه تنها در کشور ما، بلکه در کشورهای صنعتی نیز رشته ی جدیدی از دانش و پژوهش را تشکیل می دهد و هرچند که مسائل اقتصادی تعلیم و تربیت در همه ی جوامع انسانی از قدیم مطرح بوده و راه حل های مختلفی نیز برای آنها مطرح می گردیده است، لکن توجه به ارزش اقتصادی آموزش و پرورش و نقش اقتصادی تعلیم و تربیت در زندگی افراد و جوامع امری است که تنها در دو سه دهه ی اخیر علاقه ی روزافزونی را به خود جلب نموده و باعث مطالعات و پژوهش های گسترده ای گردیده است (امین فر، ۱۳۶۸: ۳۸).

امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده اند. جهت دهی و سامان بخشی اقتصاد از این قضیه مستثنی نیست. بنابراین، برای یافتن اصول و خطوط کلی در مسائل اقتصادی نیز باید آنچه خالق انسان ها و زندگی نازل کرده است، مراجعه نمود، حیات طیبه ای را که او معرفی کرده، شناسایی و مسیرهای منتهی به آن را از طریق وحی کشف نمود و به وسیله ی تفقه و تعقل و راهکارهای لازم آن را به کار بست (انصاری، ۱۳۸۲: ۱۸). بنابراین از یک سو اطمینان از مساعد بودن شرایط اقتصادی جزء ضروریات برنامه ریزی است و از سوی دیگر برنامه ای که به اجرا در می آید دارای آثار و پیامدهای اقتصادی خواهد بود که پیش بینی آنها ضرورت دارد؛ زیرا گاه پیش آمده است که به رغم پایین بودن هزینه های اجرای یک برنامه آموزشی، به دلیل پیامدهای ضعیف اقتصادی، برنامه متوقف شده است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۱۵). لذا در این مقاله به بررسی سهم اقتصاد آموزش و پرورش در رشد اقتصادی و سرمایه گذاری در آن پرداخته شده است.

۲- اقتصاد آموزش و پرورش

تعاریف متعددی که از آموزش و پرورش شده است، امکان دسترسی به یک تعریف قابل قبول همگان را دشوار می سازد. بنابراین، ساده تر از همه آن است که بگوییم آموزش و پرورش «فرایندی نظام دار است که به قصد رشد انسان به تولید دانش می پردازد.» اجزاء این تعریف، نکات کلیدی مورد استفاده در اغلب تعاریف را در بر دارد. به هر حال آموزش و پرورش امروزی از یک پدیده اتفاقی، مقطعی و نابسامان خارج شده و به فرایندی با جریانی هماهنگ، پیش رونده و هدفمند تبدیل شده است. این فرآیند با در نظر گرفتن رابطه های منظم نسبت به پیرامون خود حساس بوده و به پیوستگی و توازن اجزاء درونی خود

توجه دارد. هدف اصلی آن با به راه انداختن یک جریان منطقی یادگیری-یاددهی، فراهم ساختن زمینه های مناسب برای غنی ساختن تجربه های تربیتی و فردی و در نهایت، رشد نسبی انسان است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۲۰). «اقتصاد آموزش و پرورش» ترکیبی است از کلمه های «اقتصاد» و «آموزش و پرورش» که در واقع کاربرد علم اقتصاد را در نظام آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار می دهد. بدین لحاظ شاخه ای از علم اقتصاد به شمار می آید؛ و از آنجا که در پی شناخت مسائل اقتصادی آموزش و پرورش و بهبود کارایی نظام آموزشی است، یکی از رشته های «علوم تربیتی» یا «دانش تعلیم و تربیت» نیز محسوب می شود (امین فر، ۱۳۶۸: ۴۰). ایده های اقتصادی و کلیدی بسیاری وجود دارد که هم در پژوهش و هم در سیاستگذاری آموزش متداول شده است. این موارد عبارتند از: ایده آموزش به عنوان یک سرمایه گذاری (بکر، ۱۹۶۴). مفهوم بازده اقتصادی به آموزش و پرورش در قالب نتایج بهبود یافته بازار کار (جاکوب، ۱۹۵۸، ۱۹۷۴). ارزیابی سیاست آموزش از نظر اثربخشی هزینه. و بسیاری دیگر (دیردن و همکاران، ۲۰۰۹).

۱-۲- مفهوم علم اقتصاد

علم اقتصاد با دو پدیده عمده سروکار دارد که عبارتند از «علاق» و «منابع». چون علایق امور روانی هستند، اقتصاد با انسان سروکار دارد. از طرف دیگر چون منابع اکثرا از ماده تشکیل یافته اند، لذا اقتصاد با طبیعت نیز در ارتباط است. در واقع هدف علم اقتصاد آن است که نشان دهد چگونه می توان با حداقل منابع و تلاش، حداکثر محصول لازم را به منظور ارضای نیازها و تمتع فردی و جمعی فراهم آورد. یکی از تعاریف موجود در میان تعاریف متعدد می گوید: «علم اقتصاد عبارت از بررسی روش هایی است که بشر با وسیله یا بدون وسیله پول، برای به کار بردن منابع کمیاب تولید، به منظور تولید کالاها و خدمات در طی زمان، و همچنین برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه ها در جامعه، به منظور مصرف در زمان حال و آینده انتخاب می کند». بنابراین تعریف، علم اقتصاد به ما می گوید که چون منابع کمیاب اند و کاربردهای مختلف دارند، لذا لازم است تا با کاربرد حداقل این منابع در تولید کالاها و خدمات، حداکثر محصول به دست آید. گذشته از آن، علم اقتصاد چگونگی توزیع کالاها و خدمات را در جامعه بررسی و میزان مصرف و سرمایه گذاری را در این زمینه تعیین می نماید (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۱۸).

۲-۲- مفهوم آموزش و پرورش

آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره ی نسلی که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به جای می آورد. موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی و شرایط معنوی و مادی که مقتضای حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است که طفل برای زندگانی در آن، آماده می شود. بنابراین، نقش آموزش و پرورش در جامعه، آن است که کودکان را که هنوز اجتماعی نشده اند، متناسب با نظام اجتماعی بارآورده و برای سازگاری با محیط خاص اجتماعی شان آنان را به هنجار، رسوم و عادات مقتضی، مجهز سازد. بنابراین، از دید دورکیم، انسان محصول جامعه است و حالت های جامعه در حالات افرادی که بدان تعلق دارند، بازتاب پیدا می کند. به نظر او آموزش و پرورش و جامعه با یکدیگر پیوند نزدیک دارند. به عبارت دیگر، هر جامعه، نظام آموزشی و پرورشی مناسب با ساختار و زمان خود پدید می آورد. حتی، هر طبقه اجتماعی، اجتماع محلی، اجتماع شغلی، ویژگی های آموزشی و پرورشی مناسب خود را به وجود می آورند. امروزه، این واقعیت را، هر کارگزار آموزش و پرورش با تجربه هایی که دارد، تصدیق می کند (غلامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

آموزش یک مفهوم عام است و خود شامل آموزش و پرورش، آموزش و راهنمایی، تعلیم و تربیت، ترویج علم، فرهیختگی و اصطلاحات کاربردی متعدد دیگری می شود. از سوی دیگر آموزش و پرورش را می توان با توجه به معیارهای خاص، از زوایای مختلف تقسیم بندی کرد.

الف) آموزش و پرورش بر مبنای حوزه عمل: (۱) آموزش عمومی یا پایه، (۲) آموزش تخصصی
 ب) آموزش و پرورش بر اساس مقطع تحصیلی در نظام آموزشی: (۱) آموزش پیش دبستانی، (۲) آموزش دبستانی، (۳) آموزش متوسطه اول، (۴) آموزش متوسطه دوم، (۵) آموزش عالی
 ج) آموزش و پرورش بر مبنای تشکیلات و روش ها: (۱) آموزش رسمی، (۲) آموزش غیر رسمی، (۳) آموزش ضمنی یا محیطی
 د) آموزش و پرورش بر مبنای نهاد: (۱) آموزش والدین، (۲) آموزش مدرسه ای، (۳) آموزش ضمن خدمت یا حرفه ای، (۴) آموزش در جامعه مادام العمر
 اقتصاد آموزش و پرورش، انواع آموزش ها را در تقسیم بندی های گوناگون شامل می شود (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۲۱).

۲-۳- کاربردهای اقتصاد در آموزش و پرورش

بدون تردید می توان گفت یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش است. این نظر که سرمایه گذاری در آموزش موجب افزایش رشد اقتصادی می شود در واقع به زمان آدام اسمیت اقتصاددانان کلاسیک برمی گردد که بر اهمیت سرمایه گذاری در زمینه مهارت انسانی تأکید داشتند. به عقیده اسمیت انسان ها با آموزش به سرمایه مبدل می شوند و جامعه می تواند از تولیدی آن ها به صورت بهتری بهره مند شود. مخاطب علم اقتصاد همه عرصه های موجود در ارزش و ثروت نهفته در تمامیت یک سرزمین، تمام جمعیت و همه منابع فیزیکی و مجاری (منابع دانش) می باشد اما نسل های تازه جمعیتی در اولویت قرار دارند. هنر اقتصاددانان و اقتصادشناسان هم این است که نظام اقتصادی جامعه و کشور را در مسیری پایدار و همراه با رشد غیرتورمی، توسعه و پیشرفت همراه با عدالت هدایت کنند. به گواه علوم اقتصادی (نظری، کاربردی و توسعه ای) نظام آموزش و پرورش با توجه به تجارب دیرین و نوین الگوهای توسعه اقتصادی ترین رویکردها را داشته باشد به ویژه این که انقلاب پایدار اقتصادی دانش مدار و دانایی محور در حال گسترش است. هدف از اقتصاد آموزش و پرورش این نیست که این حوزه را به محل کسب درآمد برخی افراد همانند بنگاه کند بلکه هدف از سرمایه گذاری های اقتصادی جامعه و مسئولان و ملت در این عرصه حداکثرسازی ارزش افزوده فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی است (غلامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۹).

۲-۴- بررسی دو وضعیت

۲-۴-۱- اقتصاد بدون آموزش و پرورش

۱. برای توسعه اقتصادی، سرمایه نقش مهمی ایفا می کند. بزرگترین سرمایه انسان است، ولی انسانی که سالم، دانا و دارای دانش و مهارت باشد.
۲. هدف هر سیاست اقتصادی از بین بردن فقر و فراهم آوردن رفاه برای بشر است. این منظور با تولید کالا و خدماتی که «ثروت» نامیده می شود تأمین می گردد. ثروت از ترکیب عوامل سه گانه، یعنی عوامل طبیعی، نیروی انسانی و سرمایه به دست می آید. نیروی انسانی اگر خام، یعنی فاقد دانش و مهارت کافی باشد، نمی تواند نقشی در پیشرفت داشته باشد. نیروی

انسانی ماهر علاوه بر اینکه به عنوان یک نهاده در تابع تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد، دارای نقشی فراتر در ترکیب عوامل یاد شده است که همان نقش مدیریتی یا تدبیر امور است.

۳. علاوه بر آثار مستقیم پولی آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری بر روی انسان‌ها منجر به ظهور برخی ارزش‌های اجتماعی می‌شود که آنها نیز موجد ارزش‌های اقتصادی و فردی - اجتماعی، هر چند به صورت غیر مستقیم، خواهند بود. بعضی از این ارزش‌ها آثار غیرمادی نامیده می‌شوند و بعضی دیگر ابزار یا سازوکارهایی هستند که آثار کلی آموزش و پرورش از طریق آنها شناخته می‌شود.

۴. آموزش و پرورش در کیفیت جمعیت مؤثر است. شولتز کیفیت جمعیت را ترکیبی از عوامل ژنتیک و توانایی‌های اکتسابی می‌داند. اولی در اغلب جوامع بزرگ، یکسان یا تقریباً یکسان است، اما تفاوت‌های کیفی بین ملل، ناشی از نابرابری توانایی‌های اکتسابی آنهاست. هر چه این توانایی‌ها بیشتر شناخته شده و پرورش یافته باشد، آن جامعه در دستیابی به آرمان‌های زندگی فردی و اجتماعی خود با مشکلات کمتری مواجه خواهد بود. آموزش و پرورش در ایجاد و رشد عامل دوم نقش اصلی را دارد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۲).

۲-۴-۲- آموزش و پرورش بدون اقتصاد

جانز اقتصاد را بحث گزینه‌ها و انتخاب‌ها می‌داند و آموزش را انباشت ذخایر، مهارت‌ها، دانش و ادراک توسط افراد یا عامه جامعه تعریف می‌کند. بنابراین، اقتصاد آموزش و پرورش دربرگیرنده شیوه‌هایی است که عوامل مؤثر در انتخاب گزینه‌ها و شکل‌گیری این ذخایر معرفتی توسط متقاضیان و نهادهای عرضه‌کننده آن را معرفی می‌کند. برخی از محققان، آموزش را در زمره «حقوق اساسی بشر» قلمداد می‌کنند و بر این مبنای مطالبه هرگونه وجه و صرف هزینه‌ای برای استفاده از آن توسط عموم را مردود می‌دانند. دیدگاه مقابل، ادعا می‌کند که گرفتن حتی اساسی‌ترین اجزاء حقوق بشر نیز می‌باید با پرداخت هزینه توأم باشد؛ زیرا جامعه هنگام تخصیص منابع به آموزش، از افزایش تولید در سایر محصولات یا خدمات صرف نظر کرده است. طبعاً هزینه فرصت آموزش در جامعه می‌باید با منافع آن مورد تطبیق قرار گیرد. رابطه بین آموزش و پرورش و اقتصاد، رابطه‌ای چرخه‌ای یا متقابل است؛ یعنی آموزش و پرورش بر اقتصاد و اقتصاد بر آموزش و پرورش اثر می‌گذارد. روشن است که چنانچه صفت‌های عالی‌زیننده این دو واژه باشد، نتیجه کاملاً درخشان خواهد بود (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۴).

۲-۵- تعریف اقتصاد آموزش و پرورش

«اقتصاد آموزش و پرورش شاخه‌ای از علم اقتصاد است که کاربرد صحیح منابع را در آموزش و پرورش بررسی می‌کند و به تحقق هدف‌های نظام آموزشی به اقتصادی‌ترین وجه یاری می‌رساند.» به این ترتیب، تولید و توزیع خدمات آموزشی و استفاده از محصولات نظام آموزشی به نحوی که حساسیت‌های فرایند تربیت را نسبت به کمیابی منابع آن بیفزاید، از جمله مهم‌ترین مفاهیم وابسته به اقتصاد آموزش و پرورش است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۳۹).

اگر توجه کنیم که هرگونه بکارگیری منابع و امکانات به‌منظور تولید کالا یا خدمات به جامعه، بدون وجود نیروی انسانی کارآمد و آگاه تقریباً غیرممکن است و این نیرو نیز با «آموزش» تأمین می‌شود، به اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در تولید اقتصادی که رشد در سایر زمینه‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت، پی می‌بریم. با چنین نگاهی به اقتصاد است که آموزش معنای تازه‌ای می‌یابد و به دنبال آن رشته یا مفهوم تازه‌ای به نام «اقتصاد آموزش و پرورش» متولد می‌شود (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳).

در تحلیل کارکرد اقتصادی آموزش و پرورش، معمولاً آموزش و پرورش به عنوان یک صنعت ملاحظه می شود که از منابع اقتصادی استفاده کرده، بازده معینی تولید می کند. یک نظام اقتصادی چون منابع محدودی دارد و نمی تواند همه ی کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تولید کند، از این رو، لازم است که در امر سرمایه گذاری برای آموزش و پرورش، ارزش های بازدهی آن و همچنین هزینه های تمام منابعی را که مصرف می کند، به دقت تشخیص داده و اندازه گیری کند. در ارتباط با چنین مسائلی است که رشته ی اقتصاد آموزش و پرورش شکل گرفته و اهمیت شایان توجهی پیدا کرده است (علاقه بند، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

آموزش و پرورش و اقتصاد به یکدیگر وابسته و پیوسته اند. هر اندازه میزان درآمد ملی کشور بیشتر و کشور از لحاظ اقتصادی قوی تر باشد، می تواند به آموزش و پرورش منابع و بودجه ی بیشتری تخصیص دهد. در نتیجه توسعه ی اقتصادی موجب توسعه ی نیروی انسانی، افزایش بهره وری نیروی کار، گسترش اختراعات و ابداعات می شود که محصول سطوح متفاوت آموزش و پرورش هستند. هر اندازه که سطح آموزش و پرورش کشور بالاتر رود باعث می شود تا میزان دانسته ها و مهارت ها و منابع انسانی کارآمد افزایش یابد. این افزایش آگاهی و فنون موجب افزایش بهره وری افراد می شود و رشد اقتصاد کشور را تسریع خواهد کرد. براساس چنین رابطه ی متقابلی مفهوم اقتصاد آموزش و پرورش به میان آمد. اقتصاد آموزش و پرورش قصد دارد تا علت توجه به امور و حدود اقتصادی را در تصمیم گیری های آموزش و پرورش معین کند. و بدین گونه نحوه ی استفاده ی صحیح از منابع را برای دست یافتن به بهترین نتایج مشخص نماید (غلامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

آن دسته از حوزه های تحقیقاتی که می توان اقتصاد آموزش و پرورش را ذیل آن ها طبقه بندی کرد ادعا دارند که آموزش در مدارس، آموزش حرفه ای و تحصیل در بزرگسالی پر بازده ترین سرمایه گذاری برای آینده ی فرد، برای موفقیت شرکت در اقتصاد بازار و برای رشد و توسعه ی کل کشور است. اگرچه این فرض پایه است، ولی تحقیقاتی که تاکنون در خصوص اقتصاد آموزش و پرورش صورت گرفته به این نتیجه گیری می انجامد که تمام آنچه در زمینه های تحقیقاتی در مورد فرد، سیستم های کسب و کار، رشد اقتصادی و توسعه ی اجتماعی کشورها انجام شده آنقدر کافی نیست تا به اقتصاد آموزش و پرورش اجازه دهد که نقش به سزایی در میان علوم آموزشی داشته باشد. توضیح این اتفاق را می توان در ناتوانی در تنظیم راه حل های آموزشی برای پرداختن به انتقادهایی که در تحقیقات مشخص شده و همچنین ناتوانی در شناسایی سیستم های تحصیلی که به عنوان بهترین از نظر بازدهی و عملکرد آموزشی شناخته شده اند، پیدا کرد. اصل مطلب این است که آنچه کمبودش حس می شود کمک آموزش شناسی به اقتصاد آموزش و پرورش است (رفریگری و آلتاندی، ۲۰۱۳).

۲-۶- مباحث مطروحه در اقتصاد آموزش و پرورش

اقتصاد آموزش و پرورش اصولاً اثر «آموزش و پرورش» را بر روی پدیده های زیر بررسی می کند:

الف- توزیع درآمد بین افراد جامعه.

ب- رویه های کارفرمایان (اعم از بخش عمومی یا بخش خصوصی) در مورد استخدام و ترفیع کارکنان.

ج- ساخت شغلی نیروی کار با توجه به نیازهای مهارتی مشاغل و محتوای تربیتی لازم برای آنها.

د- مهاجرت افراد در نواحی داخلی یک کشور و یا مهاجرت به کشورهای مختلف برای کسب و کار.

ه- الگوهای تجارت بین المللی.

و- از همه کلّی تر اثر آموزش و پرورش را در زمینه ی دورنمای رشد اقتصادی، مورد رسیدگی قرار می دهد و مسائل مختلفی را که از دیدگاه اقتصادی برای نظام های آموزشی مطرح می باشند، ارائه نموده و در پی جستجوی پاسخ مناسب برای آنها است (امین فر، ۱۳۶۸: ۴۵).

۲-۷- سرمایه انسانی

مفهوم سرمایه انسانی محور بسیاری از تحقیقات در اقتصاد آموزش و پرورش است. این مفهوم در سایر شاخه های اقتصاد نیز که در مواردی با اقتصاد آموزش و پرورش وجه اشتراک دارند مطرح بوده و در تحلیل سیاست های بازار و بکارگیری نیروی کار، شاخص های اکتساب و توزیع درآمد، مورد استفاده قرار می گیرد. یک مشخصه مهم در اقتصاد، تفاوت بین سرمایه گذاری و مصرف است. همه هزینه ها را می توان یا به صورت سرمایه، یا به صورت مصرف تقسیم بندی کرد، اگرچه مرزهای آن به روشنی تعیین نشده اند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۴۰).

سرمایه گذاری بر روی سرمایه انسانی، منجر به حصول منفی هم برای فرد و هم برای جامعه می شود. فردی که تربیت یا آموزش حرفه ای دریافت می کند فرصت های بیشتری برای اشتغال خواهد داشت و درآمدهایش در طول عمر افزایش می یابد. پس از کسر مالیات می توان این درآمدها را با هزینه های مستقیم و غیرمستقیمی که او برای آموزش و پرورش خرج کرده است مقایسه نمود. منظور از این هزینه ها پولی است که بابت شهریه، خرید کتاب و سایر تجهیزات آموزشی و فرصت کسب درآمدهای صرف نظر شده، از دست می دهد. چنین مقایسه ای منجر به تعیین میزان نرخ بازده خصوصی سرمایه گذاری در آموزش و پرورش، یا سایر اشکال سرمایه انسانی می گردد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۰).

سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، هم موجد منفی برای فرد و هم برای جامعه خواهد بود. در درجه نخست جامعه به نیروهای ماهر نیازمند است تا بتواند نیاز خود را به نیروی کار به بهترین صورت برطرف کند. جامعه از تولیدی که به کمک نیروهای انسانی آموزش دیده افزایش یافته باشد سود می برد. برای همین است که در سرتاسر دنیا دولت ها وظیفه خود می دانند با تأمین مالی همه یا قسمتی از هزینه های آموزش و پرورش و اعطای وام ها و بورسیه ها، از آموزش حمایت کنند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

۲-۸- سهم آموزش و پرورش در رشد اقتصادی

آموزش و پرورش قطعاً در رشد اقتصادی سهیم است، اما تعیین و اندازه گیری سهم دقیق تعلیم و تربیت، به نسبت سایر عوامل، بسیار دشوار است. هم اینک، مسیر تحقیقات به جای تلاش برای معین کردن این مسئله، به سمت سؤالات دیگری درباره کارایی منابع تخصیصی، تغییر یافته است. اقتصاددانانی که درباره توسعه کشورهای جهان سوم مطالعه می کنند همگی بر این باورند که آموزش و پرورش محور اصلی رشد اقتصادی به شمار می آید و برای چنین طرز فکری به دلایل زیر متکی می باشند:

۱. در سال های اول دهه ۱۹۵۰ چنین تصور می شد که عامل عمده نارسایی و عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه کمبود سرمایه های فیزیکی و مادی می باشد. امروزه تأکید بر سرمایه گذاری بر سرمایه های فیزیکی کاهش یافته و به سرمایه گذاری در سرمایه انسانی توجه بیشتری معطوف گشته است.
۲. برای راه اندازی و اجرای برنامه های وسیع اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، مسائلی وجود دارد که بدون وجود افراد کافی، با تحصیلات تخصصی های مورد نیاز، اجرای آنها غیر ممکن به نظر می رسد.

۳. عامل دیگر که به عامل مازاد و یا باقیمانده معروف گشته، علت اساسی افزایش بهره وری سرمایه و نیروی انسانی به حساب می‌آید. عامل مازاد یا باقیمانده ناشی از نوآوری‌های فنی و پیشرفت‌های کیفی در روش‌های تولید و سازمان آن است. اقتصاددانان بر این باورند که عامل مازاد یا باقیمانده به طور مستقیم یا غیرمستقیم با آموزش و پرورش بهتر، در ارتباط است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۴۶).

۲-۹- کارایی درونی آموزش و پرورش

اصطلاح «کارایی» به رابطه بین داده‌ها و ستانده‌های یک فرایند اشاره می‌کند. به همان صورتی که یک اقتصاددان، رابطه بین داده‌ها و ستانده‌ها را در هر فرایند تولیدی به کمک کارایی بررسی می‌کند، در آموزش و پرورش نیز می‌توان از این اصطلاح بهره گرفت. اختلاف بین تحلیل کارایی در یک کارخانه یا یک فرایند تولیدی مشابه، با کارایی مدرسه، دانشگاه، یا نظام تربیتی کشور، فقط این است که تعیین و اندازه‌گیری ستانده‌های آموزش و پرورش بسیار دشوارتر است. با این حال تحقیقات قابل توجهی در اقتصاد آموزش و پرورش در مورد رابطه بین داده‌ها و ستانده‌ها در مؤسسات آموزشی یا در نظام تربیتی صورت می‌گیرد. به‌منظور تشخیص مفهوم کارایی از کارایی بیرونی، معمولاً آن را کارایی درونی می‌نامند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۴۸).

۲-۱۰- تقاضا برای نیروی تربیت شده

نیروی تربیت شده یکی از بحرانی‌ترین نهاده‌های نظام اقتصادی در هر کشور، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است؛ یعنی کشورهایی که در آنها به طور مداوم کمبود سرمایه مادی وجود دارد، دسترسی به نیروی انسانی ماهر می‌تواند در قالب بحرانی ویژه جلوه گر شود. تشخیص این واقعیت که آموزش و پرورش، نیروی شاغل را مولدتر می‌سازد و این اعتقاد که کمبود نیروی ماهر یکی از تنگناهای عمده در دسترسی کشورهای در حال توسعه به رشد اقتصادی است، به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و متعدد تحقیقاتی در مورد مسئله پیش‌بینی تقاضا برای نیروی تربیت شده منجر گردیده است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۵۱).

۲-۱۱- مالیه آموزش و پرورش

در بیشتر کشورها، بخش مهمی از هزینه‌های آموزش و پرورش، به ویژه در سطوح ابتدایی و متوسطه از طریق دولت و از محل مالیات یا انواع دیگر عایدی‌های دولتی تأمین می‌شود. بدین ترتیب، فراگیران، آموزش‌مجانان دریافت کرده، یا شهریه‌هایی ناچیز می‌پردازند. در مورد مدارس خصوصی، ممکن است شهریه‌ها قابل توجه باشند و یا حتی منبعی برای کسب منافع تلقی شوند، اما حتی در مورد مدارس خصوصی هم اغلب یارانه عمومی وجود دارد. در بسیاری از کشورها، مؤسسات آموزش عالی مطالبه هزینه می‌کنند؛ این هزینه‌ها هم اغلب خیلی پایین‌تر از هزینه‌های اصلی آموزش عالی هستند. به علاوه، بسیاری از دانشجویان به صورت بورس تحصیلی، جایزه، کار دانشجویی یا وام‌های کمکی، مساعدت مالی دریافت می‌دارند که همه اینها به کاهش بار مالی شهریه‌ها یا سایر هزینه‌های زندگی دانشجویان منجر می‌شود. در چنین مواردی، دانشجو به کاهش هزینه‌های شخصی آموزش و پرورش و در نتیجه افزایش نرخ بازدهی خصوصی آن کمک می‌نماید (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۵۵).

۲-۱۲- برابری و کارایی

یک نظام آموزشی در چهارچوب برنامه ریزی توسعه اقتصادی، عمرانی و اجتماعی دارای دو هدف کلی است: یکی تربیت نیروی متخصص جهت نیل به توسعه اقتصادی، اجتماعی و عمرانی و دیگر حصول اطمینان از اینکه کلیه آحاد یک جامعه به آموزش به عنوان یکی از حقوق انسانی، دسترسی دارند. پس می توان گفت که اهداف نظام آموزشی در دو دسته اصلی بررسی می شوند: اهدافی که مربوط به کارایی است و اهداف مربوط به برابری و عدالت اجتماعی. اهداف مربوط به کارایی، مقدار آموزش و پرورش یا به عبارتی اندازه نظام آموزشی را که منافع اجتماعی را به حداکثر می رساند، معین می کنند. به عبارت دیگر، باید بتوانیم هزینه ها و منافع آموزش و پرورش را مشخص کنیم. در حالی که هزینه های آموزش و پرورش - دستمزد معلم ها، کتاب ها و مواد آموزشی، مخارج ساختمان ها و غیره - را تقریباً به آسانی می توان محاسبه کرد، منافع حاصل از آموزش و پرورش به آسانی قابل اندازه گیری نیستند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۵۸).

۲-۱۳- سرمایه گذاری در آموزش و پرورش

سرمایه انسانی محور بسیاری از تحقیقات در اقتصاد آموزش و پرورش است. این مفهوم در سایر شاخه های اقتصادی نیز که در مواردی با اقتصاد آموزش و پرورش اشتراک دارند مطرح بوده، در تحلیل سیاست های بازار و بکارگیری نیروی کار، و شاخص های اکتساب و توزیع درآمد استفاده می شوند. از وجوه مشخصه مهم در اقتصاد، تفاوت بین سرمایه گذاری و مصرف است. همه هزینه ها را می توان یا به صورت سرمایه یا به صورت مصرف تقسیم بندی کرد، اگر چه مرزهای آن معمولاً به روشنی تعیین نشده اند. مفهوم سرمایه انسانی، نه فقط برای آموزش و پرورش و کارآموزی به کار می رود، بلکه به هر فعالیتی که کمیت و بهره وری نیروی کار را افزایش داده و آنگاه باعث بالا رفتن سطوح درآمدهای بعدی گردد نیز اطلاق می گردد. بدین ترتیب، هزینه های بهداشت و درمان و مهاجرت را نیز می توان جزء سرمایه گذاری در سرمایه انسانی محسوب نمود. به هر حال، بسیاری از اقتصاددانان خاطر نشان ساخته اند که تربیت و کارآموزی، به صورت دانش و مهارت هایی که افزایش دهنده ظرفیت بهره وری نیروی کار است، موجد دارایی هایی است. آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل می گوید: «فرد تربیت شده ای را که زمان و کار زیادی برای وی صرف شده است، می توان با یکی از ماشین آلات گران قیمت مقایسه نمود.» دیگر اقتصاددانان کلاسیک نیز هزینه برای آموزش و پرورش را به عنوان شکلی از سرمایه گذاری که قطعاً موجب منفعی در آینده می گردد، در نظر داشته اند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۶).

سرمایه گذاری در آموزش و پرورش یک عامل کلیدی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی است. تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است. سرمایه گذاری از یک سو قابلیت های نیروی انسانی را ارتقاء می بخشد از سوی دیگر، نیروی کار را برای استفاده بهتر از فناوری جدید تولید مهیا می سازد و به این ترتیب راه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورها هموار می کند. سرمایه گذاری، عامل عمده پیشرفت اقتصادی به شمار می رود و به معنی عام عبارت از تمام هزینه هایی است که موجب حفظ، بقا و افزایش ظرفیت های تولید و همچنین ایجاد درآمد می شود. این هزینه ها فقط سرمایه گذاری مادی در تأسیسات، تجهیزات، موجودی انبارها و توسعه منابع طبیعی را در بر نمی گیرد؛ بلکه سرمایه های انسانی، پژوهش و توسعه، آموزش و پرورش، آموزش ضمن خدمت، بهداشت و جابجایی نیروی کار را نیز شامل می شود. بیشتر اقتصاددانان معتقدند که در حقیقت کمبود سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی عامل اصلی نازل بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و تا زمانی که این کشورها سطح مهارت های حرفه ای را ارتقاء ندهند، بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در

سطح نازلی باقی می ماند و رشد اقتصادی با کندی و همراه با هزینه های سنگین تر صورت می گیرد. در واقع می توان گفت سرمایه های فیزیکی تنها زمانی مولد خواهد شد که کشور دارای مقادیر لازم سرمایه انسانی باشد (غلامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۶-۷).

آموزش ضمن خدمت، قدرت نیروی کار را افزایش داده، موجب می شود تا در زمان مشخص، کالا و خدمات بیشتر و ارزنده تری عرضه شود. هر قدر میزان آموزش نیروی کار منسجم تر و مترکم تر باشد، توانایی های آنها افزایش بیشتری خواهد یافت و نقش آنها در تولید ناخالص داخلی از رشد بیشتری برخوردار خواهد شد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

۳- تبیین هدف ها در اقتصاد آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام

۳-۱- هدف های تربیتی در امور اقتصادی

دین مبین اسلام مکتبی غنی و مانع و جامع است و خود دارای نظام های مختلف اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و تربیتی است که در بین نظام های یاد شده، نظام تربیتی اسلام با سایر نظام های مذکور، دارای ارجحیت و اشراف است و در حقیقت تمامی نظام ها در طول نظام تربیتی قرار می گیرند. هدف اساسی دین مبین هدایت مردم و جامعه به سوی توسعه واقعی و نظامی نهایی در سیر و تقرب الی الله است، به نحوی که ضمن حفظ کرامت و حق الناس، انسان ها در هر دو جهان سعادت مند شوند و تلاش می شود تا حرکت های تربیتی به نحوی مسائل اقتصادی را شکل دهند که آثاری به شرح زیر در جامعه ظاهر شود (صراف اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۲۸):

۱. کمک برای دینداری و کسب تقوای الهی
۲. راهی برای کسب شایستگی ها و کمالات
۳. ابزار برای جلوگیری از ظلم
۴. سزاواری و شایستگی برای مسلمانان عاقل
۵. راهی برای بقای عزت اسلام و مسلمین

صفات و ویژگی های ذکر شده جز از طریق تربیت و تعلیم در مکتب مقدس اسلام، حاصل نمی شود و در کل، از مطالب بالا، چنین می توان نتیجه گرفت که دین اسلام، نظام تربیتی را به آماده کردن افراد برای دستیابی به اهداف و ویژگی های اعلام شده ملزم می کند و در نتیجه افراد مسلمان موظف می شوند، علوم و مهارت های لازم را برای ایجاد نظام اقتصادی عادلانه فراگیرند و به طور فعال در این زمینه کوشش کنند. این هدف کلی بر سه پایه «تولید مناسب»، «توزیع صحیح» و «مصرف بجا و منطقی» استوار است. که هر سه مورد در ارتباط با اهداف اقتصادی آموزش و پرورش مورد بررسی و استناد قرار گرفته اند (صراف اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

۳-۲- هدف های تربیتی در ارتباط با تولید

۱- شناساندن و شناختن قداست کار

در نظام تربیتی اسلام، متعلم و متربی این نگرش را دارند یا تحت آموزش اعتقادی کسب می کنند که «مال» اصالتاً از آن خداست و مالکیت حقیقی از آن او است (آنچه در آسمان ها و زمین است، تنها از آن خداست) و متعلم و متربی می فهمند که پرداختن به فعالیت های اقتصادی-در جامعه دینی-خلیفه الهی و تزیین به صفت الهی است (هوالذی جعلکم خلائف فی

الارض...فاطر آیه ۳۹). به همین دلیل متربی و متعلم موظفند به صورت مستحب یا واجب به تولید و کسب درآمد بپردازد و در سطح عالی تری آن را عبادت و وسیله تقرب الهی قرار دهند. سایر موارد مستند نظام تربیتی دین مبین اسلام در ارتباط با اهداف اقتصادی آموزش و پرورش در بخش تولید، به طور خلاصه به شرح زیر است:

۲- آمادگی شغلی

آمادگی شغلی که در سیر تکامل فرد در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی به تدریج شکل می گیرد دارای زیر مجموعه هایی به شرح زیر است (صراف اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۳۱-۲۳۰):

- کشف استعداد
- ایجاد انگیزه و علاقه
- دادن اطلاعات شغلی
- ایجاد زمینه اشتغال
- انتخاب شغل مفید
- پرورش روحیه کسب درآمد مشروع
- کسب مهارت

آموزش و تولید

نهاد آموزش و پرورش در برگزیده نظام آموزشی مرکب از آموزشگاه ها و دانشگاه ها، برنامه ها و فعالیت های آموزشی، تجهیزات آموزشی، نیروی انسانی شاغل در بخش آموزش و کلیه افرادی است که برای تدریس یا تحصیل در این نظام اشتغال دارند. با توجه به گستردگی حوزه فعالیت نهاد آموزش و پرورش و اثراتی که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری دارد و نیز منشأ هزینه هایی که از جانب دولت برای آن صرف می گردد می توان خدمات آموزش و پرورش را اعم از تعلیم و تربیت نیروی انسانی و فراهم ساختن امکانات آموزشی و پرورشی به عنوان تولیداتی اقتصادی دانست که معمولا توسط دولت ها و اغلب در قالب کالایی همگانی عرضه می گردند. همچنین با توجه به اینکه هزینه های آموزشی منشأ سرمایه ای دارند و در واقع نوعی سرمایه گذاری انسانی محسوب می گردند. بررسی و شناخت نیروهای موجود در بازار عوامل و تولیدات آن به برنامه ریزی اصولی برای تخصیص بهتر منابع به این بخش و افزایش کارایی نیروها و بهبود کیفیت تولیداتی که به عنوان خدمات آموزشی در اختیار طیف وسیعی از متقاضیان آن قرار می گیرد، منجر خواهد گردید (جفردی، ۱۳۷۶: ۳۹).

متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت روش ها و نگرش های علمی را توصیه می کنند و به جای تولید مجدد حقایق علمی فرآیند را مورد توجه قرار می دهند؛ آن ها معتقدند که آموزنده ها به جای کسب حقایق علمی باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند، و به جای انباشت حقایق علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه شخصا فکر کنند، تصمیم بگیرند و درباره امور مختلف قضاوت کنند. بنابراین، آموزش بر پایه تفکر نیاز حیاتی هر نظام آموزشی است. تفکر، اساس حیات انسانی است؛ زیرا انسانیت انسان و ادراک او از عالم و آدم و پروردگار عالمیان و اتصالی که با حق برقرار می کند، وابسته به نحوه تفکر اوست؛ با تفکر، استعدادهای پنهانی آدمی از قوه به فعل در می آید و زمینه حرکت کمالی او فراهم می شود (اکبری، اشکذری، اکبری، ۱۳۹۳: ۶).

نقش آموزش و پرورش در افزایش تولید ملی

کلیه ملاحظات نشان می دهند که نیروی شاغل متخصص، به عنوان اصل سرمایه انسانی و محصول نهایی آموزش، نقش بسیار مؤثری در تولید دارد، چون فناوری تولید در جهان امروز و در ایران، در حد بالاتر و فراتر از مهارت های نیروی غیرمتخصص است. به این لحاظ، کشش تولید نسبت به نیروی متخصص، حتی از کشش تولید نسبت به سرمایه فیزیکی بیشتر است و تغییر عامل نیروی انسانی متخصص، بیشترین تأثیر افزوده را بر بخش صنعت دارد و چون تفکیک دو گروه نیروی شاغل براساس تحصیلات دانشگاهی صورت گرفته است، برتری سهم این عامل نسبت به عامل نیروی انسانی غیرمتخصص در اثر آموزش و تحصیلات دانشگاهی حاصل شده است. به طور کلی می توان گفت، نرخ رشد تمرکز سرمایه انسانی، نه تنها باید بیشتر از نرخ رشد نیروی کار باشد، بلکه باید از نرخ رشد اقتصادی نیز بیشتر باشد (دودمانی ملکی، ۱۳۹۰: ۳۹).

۳-۳- هدف های تربیتی در ارتباط با توزیع

از اهداف اقتصادی در نظام آموزش و پرورش اسلامی توزیع عادلانه ثروت است که به شرح زیر مد نظر قرار می گیرد (صراف اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۳۱):

۱. توزیع عادلانه عوامل تولید
۲. توزیع عادلانه درآمد

۳-۴- هدف های تربیتی در ارتباط با مصرف

از اهداف اقتصادی آموزش و پرورش اسلامی مصرف درست و بهره برداری مناسب و منطقی از مواهب طبیعی و تولیدی و تأمین نیازهای مادی و معنوی افراد و خانواده آنان و جامعه است که به طور خلاصه در چند هدف زیر به صورت خلاصه بیان می شود:

۱- رفع نیاز یا بهره مندی

مکتب تربیتی دین مبین اسلام، نیازهای متعددی را در حال و زمان های آتی از ابعاد مادی و معنوی، فردی و جمعی برای انسان ها تعریف کرده است و به مردم توصیه کرده است که به صورت مناسب و درست از مواهب طبیعی و تولیدی به حدی که با معنویت و آخرت هماهنگ باشد، بهره برداری و نیاز خود را تأمین کنند.

۲- مصرف و اهداف مصرف

دین مبین اسلام، مردم را در مصرف مال به سه گروه تقسیم می کند: دسته اول کسانی که مال را برای تأمین نیاز خود به کار می برند و بقیه را برای آخرت ذخیره می کنند، دسته دوم کسانی که در ارتباط با امر الهی - انسانی مال خود را مصرف می کنند (نظیر صلح رحم)، دسته سوم کسانی که اموال خود را در راه های ضارزشی و ضد انسانی به کار می گیرند (صراف اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

۳- ثبت و تنظیم سند در معاملات

یکی از مؤلفه های موفقیت در کار و تجارت، نوشتن قرارداد یا تنظیم اسناد مالی است. مقصود از اسناد تجاری، هر نوشته ای است که در مقام دعوی یا در مقام دفاع قابل استناد باشد. از آنجایی که اسلام دین جامع و کاملی است، برای ایجاد انضباط اقتصادی و رعایت مسائل حقوق و اخلاقی مالی، دستور به تنظیم اسناد مالی و تجاری در معاملات داده است. یقیناً نوشتن و تنظیم اسناد در معاملات برای حفظ اعتماد و خوش بینی به همدیگر و آرامش روحی طرفین و جلوگیری از فراموشی، انکار، سوءظن و ... تأثیر فراوان دارد (طریقه دار، ۱۳۹۶: ۶۳).

اسلام به خواندن و نوشتن بسیار اهمیت داده و از مسلمین خواسته است که به آن توجه کنند، و در این باره از هیچ گونه کوششی دریغ ننمایند. در قرآن مجید سوره ای به نام «القلم» نامیده شده که این خود، توجه و عنایت اسلام را به قلم و نوشتار نشان می دهد. خداوند در آن سوره به قلم و نوشتار قسم یاد کرده است و چنان که واضح است هنگامی به چیزی قسم یاد می کنند که آن چیز در نظر سوگند خورنده اهمیت و عظمت داشته باشد. پس معلوم می شود که قلم و اثر آن از نظر اسلام به آن اندازه اهمیت و ارزش دارد که آفریدگار عالم به گونه ای به آن ارج نهاده که به آن قسم خورده است (صانعی، ۱۳۷۵: ۳۵۶). در دنیا علمی است که فرا گرفتن آنها برای فرد یا اجتماع ضرورت دارد، به گونه ای که بدان وسیله در زندگی فردی یا اجتماعی مردم تحول عمیق ایجاد می گردد و مسیر زندگیشان به کلی تغییر می کند و به عالی ترین درجه ی کمال می رسند و سبب رفاه و آسایش و سعادت دنیا و آخرتشان می شود؛ پس بر هر کس لازم است که برای پیشرفت و تکامل خود یا اجتماعش این گونه علوم را فراگیرد (صانعی، ۱۳۷۵: ۳۴۵).

۴- دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک و معاصر در توجیه اقتصادی سرمایه گذاری در آموزش و پرورش

۱. **آدام اسمیت!** پدر علم اقتصاد و رهبر اقتصاددانان کلاسیک، آدام اسمیت، در قسمت های مختلف کتاب ثروت ملل که در سال ۱۷۷۶ منتشر ساخت، بر نقش کار در ایجاد ثروت و اهمیت آموزش و پرورش در تشدید آن تأکید کرد. وی در این کتاب به بحث در مورد آموزش افراد جامعه پرداخته و در بحث خود به کارایی نظام آموزشی و نتایج حاصل از ایجاد این نظام توجه خاص می نماید. به عقیده وی آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه گذاری روی آنهاست. با آموزش، افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت های آنان سبب می گردد که نه تنها خودشان به درآمد بیشتری نائل آیند، بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری بر روی آنها منتفع گردد. به عقیده اسمیت، انسان ها با آموزش به سرمایه مبدل می شوند و جامعه می تواند از توان تولیدی آنها به صورت بهتری بهره مند گردد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۶۳).

۲. **جان رمزی مک کولاک.** وی مهارت و هوش توده مردم را در تعریف سرمایه ملی لحاظ کرده و معتقد است که معرفت، صلاحیت و مهارت مانند افزایش ثروت و سرمایه، از عناصر تشکیل دهنده سرمایه ملی هستند. وی مخالف این نظریه بود که آرامش اجتماعی و تفاهم طبقات از آموزش و پرورش حاصل می شود؛ زیرا به نظر او فقرای آموزش ندیده ممکن است سرنوشت خود را ناشی از مشیت بدانند (و نسبت به مسائل اجتماعی بی تفاوت بمانند) ولی پس از دریافت آموزش، جامعه را مورد قضاوت قرار می دهند و بی تفاوت نمی مانند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۶۵).

۳. **کارل مارکس.** در باور مارکس، آموزش و پرورش می تواند آثار غیر انسانی تقسیم کار را جبران کند. از دیدگاه وی، نظام آموزشی قسمت عمده ای از تار و پود اجتماعی است که تضادهای داخلی نظام سرمایه داری آن را از هم می گسلد. مارکس بر این عقیده است که نقش آموزش و پرورش در یک جامعه سوسیالیستی، پرورش استعداد فنی افراد و در عین حال از بین بردن حالت جدایی کارگر از وسایل تولید است، به طوری که علاوه بر حفظ نقش تولیدی کارگر، مقام انسانی او را به وی باز گرداند. وی می گوید بحث آدام اسمیت در مورد آموزش، در واقع یک وزنه تعادل در نتایج غیرانسانی نظریه تقسیم کار وی است.

^۱-Adam Smith

^۲-John Ramsay McCulloch

^۳-Carl Marx

آموزش، قسمت مهمی از محصول اجتماعی است که از تناقض ذاتی نظام سرمایه داری نشئت می گیرد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۶۷).

۴. **سیمون کوزنتس**^۱ کوزنتس در توجیه اهمیت اقتصادی سرمایه گذاری در امر آموزش، بحث خود را بدین ترتیب آغاز می کند: « مطالعه اجزاء حساب های ملی و تشکیل سرمایه در ایالات متحده امریکا و بررسی مفهوم سرمایه روشن می سازد که مفهوم کنونی «سرمایه» که تنها سرمایه های فیزیکی و کالایی را شامل می گردد مفهومی ناقص و نارساست». بدین ترتیب، تحلیل های کوزنتس نشان می دهد که در گذشته که توضیح رشد اقتصادی با اتکا به سرمایه گذاری های فیزیکی انجام شده گمراه کننده است و بجاست که هرگاه صحبت از سرمایه می گردد، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی تشکیل یافته، هر دو، به حساب آیند. کوزنتس معتقد است که بهداشت و سلامتی، آموزش و پرورش، و آموزش ضمن خدمت خود نوعی سرمایه انسانی است و به عنوان جزئی از سرمایه کل کشور بایستی در تحلیل های اقتصادی مورد توجه و محاسبه قرار گیرد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۶۹).

۵. **تئودور شولتز**^۲ به اعتقاد شولتز، توانایی های اکتسابی انسان ها، مهم ترین منبع رشد بهره وری و توسعه اقتصادی سال های اخیر به حساب می آیند. از آنجا که توسعه چنین توانایی هایی مستلزم صرف منابع کمیاب است، شایسته است که سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، به عنوان یکی از مقوله های اقتصادی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. شولتز بر این حقیقت اصرار دارد که مفهوم سرمایه نه تنها شامل سرمایه های فیزیکی و کالایی است، بلکه سرمایه انسانی را نیز بایستی در برگیرد. بدین ترتیب، شولتز به توانایی های اکتسابی انسان به صورت یک «سرمایه» از پیش تولید شده و یک عامل هدف دار تولید می نگرد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۷۱).

۵- منافع آموزش و پرورش

منافع حاصل از آموزش و پرورش براساس سطوح آن متفاوت است. معمولا آموزش های عمومی، اجباری و همگانی است در حالی که آموزش های متوسطه به سه عرصه عالی، ادبی، هضبت را ندارد. به وضوح می توان ملاحظه کرد منافع کسانی که آموزش ابتدایی دریافت کرده اند، با منافع حاصل از آموزش در سطوح بالاتر و برای بزرگ ترها بسیار متفاوت است. معمولا آموزش در سطوح پایین تر (مثل ابتدایی) سکویی برای پرش به سوی آموزش های بالاتر است؛ علاوه بر این، منافع آموزش بر حسب نسبت گروهی که به سطح خاصی از آموزش دست یافته است خواهد بود. برای مثال، در جامعه ای که تعداد بسیار اندکی وارد دوره ابتدایی می شوند کسب مدرک این دوره می تواند منافع زیادی در بر داشته باشد. و سرانجام ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که آموزش و پرورش و منافع حاصل از آن، از یک نظر کالاهای اقتصادی اند و ارزش آنها همچون هر کالای اقتصادی دیگر، تا حدی به خاطر کمیابی آنهاست. بنابراین می توان انتظار داشت آنچه فرد از آموزش ابتدایی دریافت کرده به نسبت آنچه از آموزش متوسطه به وی رسیده دارای ارزش کمتری باشد. برای مثال، در جوامع پیشرفته، سواد خواندن و نوشتن، به تنهایی نمی تواند پولساز باشد، در عوض کسانی که دارای مهارت های عالی باشند، به هر نسبت که دارندگان آن مهارت کم باشد و همواره از سوی جامعه تقاضای زیادی برای آن وجود داشته باشد، دستمزد و درآمد بالایی برای آنها مورد انتظار است. بنابراین بحث

^۱-Simon Kuznets

^۲-Theodore W.Schultz

درباره منافع آموزش و پرورش بر حسب سطح آموزش عمومی و تخصصی کشورها متفاوت است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۹).

۶- تأمین مالی آموزش و پرورش

اصطلاح تأمین منابع مالی آموزش و پرورش عمومی به فرآیندی اطلاق می شود که به وسیله آن درآمدهای مالیاتی و دیگر منابع به منظور اداره مدارس ابتدایی و متوسطه تحصیل می شود و نیز طی آن این منابع در مناطق جغرافیایی مختلف به مدارس و انواع آموزش در سطوح مختلف تحصیلی تخصیص می یابد. این اصطلاح معمولاً به سطوح ابتدایی و متوسطه محدود می شود هر چند گاهی برای مؤسسات پیش دبستانی نیز به کار گرفته می شود. از مرسوم ترین شاخص های معیار کفایت تأمین منابع، درصدی از تولید ناخالص ملی است که برای آموزش و پرورش به مصرف می رسد و یا سهمی از بودجه دولت مرکزی که خرج آموزش و پرورش می شود. بهترین راه برای فهم و شناخت زمینه تأمین منابع مالی آموزش و پرورش این است که آن را به عنوان یک پدیده مبتنی بر تصمیم گیری در نظر گرفت که در آن تصمیم های آموزشی باید به شیوه های تأمین منابع مالی بر آموزش و پرورش ترجمه شوند (غلامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۸).

تقریباً در همه کشورها، آموزش و پرورش از سوی دو بخش عمومی و خصوصی تدارک می شود. مقدار منابعی که آموزش و پرورش به خود اختصاص می دهد نسبتاً قابل توجه است، چیزی بین ۶ تا ۱۰ درصد^۱ GNP کشورهای مختلف. نظام های مالی آموزشی، نظام های پیچیده ای هستند؛ شاید بتوان بهترین دلیل این پیچیدگی را در مشارکت وسیع بخش خصوصی در کنار بخش عمومی، برای تأمین هزینه ها دانست. مسئله برابری در توزیع منابع تربیتی، و ضرورت کارا بودن این توزیع نیز از عوامل مهم دیگر به شمار می آیند. علاوه بر این، نباید فراموش کرد که بودجه تنها زمانی قابل استفاده است که تبدیل به منابع آموزشی شده باشد. یعنی تنها تأمین مالی آموزش و پرورش تضمین کننده تدارکات پشتیبانی کننده مطلوب آن نیست؛ بلکه روشی که طی آن این منابع مالی تبدیل به منافع آموزشی می شوند، با در نظر گرفتن این اثر بخشی و کارایی آن، حائز اهمیت است. بنابراین، پس از تخصیص بودجه، فرایند انتخاب منابع انجام می شود که فعالیتی کاملاً پیچیده و تخصصی است و مستقیماً به مسئله بهره وری مربوط می شود. در مقیاس وسیع، تأثیر بودجه آموزشی بر بازده های نظام تعلیم و تربیت بستگی به نوع منابعی دارد که وارد فرایند تحصیلی می شود. این نکته مورد تأیید کارنوی و لوین نیز بوده است (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

باید بخشی از انرژی سرمایه گذاری شده در گسترش آموزش، مصروف بهبود کیفیت زندگی در عرصه های غیر اقتصادی، ارتقای منش انسانی و افزایش آزادی های وی شود. جهت گیری های آموزشی با نگرش فوق، انسانی را پرورش می دهد که نه تنها قدرت و قابلیت پذیرش مسئولیت های بیشتر را دارد، بلکه توان ذهنی وی را به سطحی می رساند که «منطق» مهم ترین ابزار در زندگی وی گردد. تشخیص فرصت های برتر، ضمن افزایش مطلوبیت فردی، رضایت مندی بیشتر برای فرد، و وضعیت نزدیک تر به نقطه بهینه رفاه را برای اجتماع به ارمغان می آورد (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۲۳۷).

۷- مفهوم رشد و توسعه در آموزش و پرورش

^۱ -تولید ناخالص ملی، Gross national product یک متغیر جریان بوده و عبارت از ارزش ریال سالانه تمامی کالاها و خدمات نهایی تولید شده به قیمت های جاری (بازار) در اقتصاد ملی.

در دنیای امروز تغییر و تحولات در رشد سریع صنعت و فن آوری همزمان با ایجاد و گسترش تخصص ها و مشاغل جدید در زمینه های مختلف زندگی اقتصادی موجب شده که نیاز به نیروی انسانی ماهر و متخصص رو به فزونی گذاشته و ارزش سرمایه در توسعه ی ملی روشن و بارزتر گردد. این دگرگونی و تغییر جهت در وظایف آموزش و پرورش با پیدایش و پیشرفت انقلاب صنعتی و گسترش فراوان علوم و وسایل ارتباطی و رسانه ها به وجود آمده است. در واقع بازتاب تحول و رشد در جوامعی است که اوضاع اقتصاد کشاورزی سنتی آنها از حالت دستیابی به اوضاع اقتصاد صنعتی جدید و پویا، تغییر و توسعه یافته است. از این رو اغلب صاحب نظران علوم تربیتی و اقتصاد و سیاستمداران متأخر به مطالعه ی رابطه ی مستقیم میان سطوح مختلف آموزشی و انواع آموزش و پرورش و تأثیر آنها در تولید و توسعه ی ملی توجه بیشتری نموده و نیروی انسانی آموزش دیده را یکی از مهمترین عوامل اساسی پیشرفت جامعه دانسته اند. سیر تحولات آموزش و پرورش در جوامع جدید به گونه ای بوده که باعث دگرگونی هایی در زمینه های علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در آن گردیده است. به طوری که آموزش و پرورش رسمی که در گذشته برای گروه های اجتماعی و طبقات بخصوصی مطرح و قابل استفاده بوده و تنها اقشار ممتاز و مرفه می توانستند از آن استفاده کنند، امروزه به صورت یک نیاز اساسی فردی و اجتماعی مطرح گردیده و آموزش و پرورش عمومی و همگانی به عنوان یکی از حقوق افراد و ضروریات زندگی در تمامی اجتماعات جدید به حساب می آید (غلامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۴).

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از توجه به اقتصاد آموزش و پرورش:

- الف - اقتصاد آموزش و پرورش به ما کمک می کند تا از منابع و امکانات موجود که شامل وقت معلمان، دانش آموزان، فضا و تأسیسات آموزشی، وسایل و تجهیزات آموزشی و غیره می باشد حداکثر استفاده را نموده، راه ها و شیوه های دیگری را که می توان از طریق آنها منابع و امکانات بیشتری در اختیار نظام آموزشی قرار داد جستجو کنیم.
- ب - اقتصاد آموزش و پرورش با محاسبه ی هزینه ها و منافع حاصل از آموزش و پرورش یک دوره، رشته، و یا یک مقطع تحصیلی، برنامه ریزان آموزشی، مدیران جامعه و مسئولان تعلیم و تربیت را راهنمایی می کند که در کدام دوره، رشته و مقطع تحصیلی، به چه میزان سرمایه گذاری کنند تا این امر با توسعه اقتصادی و انتظارات برنامه های اقتصادی جامعه هماهنگ باشد.
- ج - اقتصاد آموزش و پرورش هزینه ها و منافع تحصیل را برای افراد می سنجد و آنان را در انتخاب رشته ها و دوره های تحصیلی از نظر اقتصادی و منافع آتی آنها راهنمایی می کند.
- د - اقتصاد آموزش و پرورش با محاسبات خود برنامه ریزی نیروی انسانی را آسان می کند.
- ه - اقتصاد آموزش و پرورش از بالاترین رده ی نظام آموزش و پرورش تا پایین ترین قسمت تشکیلات آن یعنی واحدهای آموزشی به خدمت گرفته می شود و بازده اقتصادی هر واحد یا هر رشته یا منافع و هزینه ی سرانه آنها را روشن می کند.
- و - اقتصاد آموزش و پرورش نتایج حاصله از پیشرفت تکنولوژی را در آموزش و پرورش نشان می دهد و زمینه را برای پیشرفت بیشتر آماده می کند.
- ز - اقتصاد آموزش و پرورش در حال حاضر اهمیت سرمایه گذاری در انسان را بیش از آنچه آلفرد مارشال، آدام اسمیت و دیگران نشان داده اند، روشن می کند و ما را به اهمیت این سرمایه ی عظیم بیش از پیش آگاه می سازد.

ح - اقتصاد آموزش و پرورش با تحلیل آن دسته از عوامل اقتصادی که در روی آوردن فرزندان طبقات مختلف جامعه به تحصیل، یا یکی از رشته های تحصیلی مؤثر است، می تواند زمینه ی نابرابری های اقتصادی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده، و با ارائه خط مشی های مناسب تعدیلی ایجاد کند، و در کاهش و محو بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک نماید.

ط - اقتصاد آموزش و پرورش همانند دیگر تحلیل های اقتصادی می تواند ما را در استفاده ی صحیح و به جا از منابع موجود راهنمایی کند و در تقلیل هزینه ها و بالا بردن کارایی ها و بازده های آموزشی و اقتصادی منابع مؤثر باشد.

ی - اقتصاد آموزش و پرورش امکان پذیری برنامه های آموزشی را از لحاظ اقتصادی ارزیابی می کند و می تواند طرح دقیقی برای هزینه های تصمیم های آموزشی و پرورشی جوامع فراهم سازد.

ک - اقتصاد آموزش و پرورش می تواند امر تصمیم گیری درباره ی تخصیص منابع و وجوه مالی را به هنگامی که طرق مختلفی برای انجام کار وجود دارد، آسان نماید.

آموزش و پرورش یک نوع سرمایه گذاری است که سرمایه آن انسان می باشد. تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است که این مهم باعث ارتقاء سرمایه انسانی و استفاده بهتر از فناوری جدید تولید می باشد. به این ترتیب راه رشد و توسعه اقتصادی هموار می شود. انسان ها با آموزش تبدیل به سرمایه می شوند و جامعه می تواند از توان تولیدی آنها بهره مند شود. هنر اقتصاددانان این است که نظام اقتصادی جامعه را در مسیری پایدار همراه با رشد غیرتورمی، توسعه و پیشرفت همراه با عدالت هدایت کنند.

چیزی که جامعه در حال حاضر به آن نیاز دارد عدالت اقتصادی است. و با توجه به این که فناوری به سرعت در حال رشد می باشد، به منظور استفاده از فناوری های جدید لازم است تا افراد جامعه آموزش های لازم را ببینند. در این راستا آموزش و پرورش نقش اساسی را در تعلیم و تربیت افراد بر عهده دارد. نقش معلم در فرآیند آموزش و بهبود کیفیت یادگیری، برجسته تر از سایر عوامل می باشد. و می تواند دانش آموزانی متخصص تربیت کند تا در آینده عهده دار مسئولیت در جامعه و مشغول به کار شوند. قدرت تولید افراد آموزش دیده به مراتب بالاتر از کسانی است که در حیطه ی تخصصی خود آموزش های لازم را ندیده اند. این افراد، ضمن افزایش درآمد شخصی خود، باعث افزایش ثروت ملی جامعه نیز می شوند. جامعه ای که به لحاظ اقتصادی قوی باشد، می تواند با صرف هزینه بیشتر در امر آموزش، منجر به گسترش عدالت اقتصادی، تولید بیشتر، توزیع برابر امکانات و مصرف صحیح گردد. اگر جامعه ای رشد و توسعه لازم را فراهم کرده باشد به دنبال آن رفاه و آسایش نیز برای افراد جامعه به وجود می آید.

منابع

۱. ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۰)؛ سال جهاد اقتصادی؛ آموزش و پرورش و اقتصاد، نشریه رشد معلم، شماره ۲۵۹، ۱۴-۱۲
۲. اکبری، مرضیه؛ خادمی اشکذری، ملوک؛ اکبری، اعظم (۱۳۹۳)؛ شیوه های آموزش بر پایه تفکر در نهج البلاغه، نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۲، ۲۴-۵
۳. امین فر، مرتضی (۱۳۶۸)؛ آشنایی با اقتصاد آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۰، ۳۸-۵۹
۴. انصاری، جعفر (۱۳۸۲)؛ مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم، نشریه معرفت، شماره ۶۶، ۲۵-۱۷

۵. جفرودی، شهاب (۱۳۷۶)؛ نیروی انسانی - اشتغال: آموزش، کلید افزایش تولید، نشریه نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳۵۴، ۳۹-۴۱
۶. دودمانی، هانیه (۱۳۹۰)؛ نقش آموزش و پرورش در افزایش تولید ملی، نشریه رشد معلم، شماره ۲۶۱، ۳۶-۴۱
۷. صانعی، سیدمهدی (۱۳۷۵)؛ پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
۸. صراف اسماعیلی، حمید (۱۳۸۴)؛ مباحثی در اقتصاد آموزش و پرورش، مجلس و پژوهش، شماره ۴۶، ۲۳۸-۲۱۵
۹. طریقه دار، ابوالفضل (۱۳۹۶)؛ مولفه های تولید و اشتغال از منظر قرآن و حدیث، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۴۲۷ و ۴۲۸، ۶۰-۶۳
۱۰. علاقه بند، علی (۱۳۹۹)؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش (ویراست هفتم)، چاپ شصت و پنجم، تهران، نشر روان
۱۱. غلامیان، رضا؛ فراشبندی، رضا؛ امیری، وحید؛ حاجیان، نوش آفرین؛ حبیبی دهنه سیری، زینب (۱۳۹۷)؛ بررسی تأثیر اقتصاد بر نظام آموزش و پرورش در ایران، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی
۱۲. متوسلی، محمود؛ آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۴)؛ اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
13. Lorraine Dearden, Stephen Machin, Anna Vignoles; Economics of Education Research: A Review and Future Prospects, Oxford Review of Education, october 2009
14. Gary S Becker. (1964). Human capital: a theoretical and empirical analysis, with special reference to education. The University of Chicago Press, Chicago, 3rd ed. edition, 1993. ISBN 0226041204 (pbk.).
15. Jacob Mincer (1958) "Investment In Human Capital and the Personal Income Distribution," Journal of Political Economy, 66:281-302.
16. Jacob Mincer (1974) Schooling, Experience, and Earnings, (New York: Columbia University Press for the National Bureau of Economic Research).

The contribution of education economy to economic growth and investment in it

Mohammad Hossein Moqum

Academic staff member, Department of Educational Sciences, Shahidan Paknejad Campus, Farhangian University, Yazd, Iran

Abstract

The education system, as one of the largest and most universal social institutions, is nothing but a macro system of decision-makers, planners and executives, which focuses its efforts on the growth and excellence of human beings. Perhaps since governments assumed a more comprehensive role in the education process in the form of regular organizations, its financial and economic issues were raised more clearly and seriously; But this does not mean that the oldest types of education, that is, family education through parents, lacked an economic aspect. At the same time, today, passing educational plans is necessary and inevitable; Because it is clear that it is not possible to achieve the goals of the program without proper and timely funding. In this article, the contribution of education economy in economic growth and investment in it has been investigated. The economics of education is looking for how to better allocate scarce resources in education. It can help us understand how to provide more (or less) education and the effect of the economy on individuals, schools and society.

Key words: Economy, economics of education, human capital, education, economic growth.
